

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قتل‌های ناموسی در فقه و حقوق کیفری ایران

تالیف:

مختار فتاحی

(دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی)

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: فتاحی، مختار، ۱۳۷۰ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: قتل‌های ناموسی در فقه و حقوق کیفری ایران / تألیف مختار فتاحی.
مشخصات نشر	: تهران: قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۰۹-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قتل‌های ناموسی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Honor killings -- Law and legislation -- Iran
موضوع	: قتل‌های ناموسی(فقه)
موضوع	: (Honor killings (Islamic law
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ق۲/ف۳/۵۰/ KM4
	: [BP۶/۱۹۸/۲]
رده بندی دیویی	: /۵۵-۲۵۳۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۰۲۱۸۸

انتشارات قائمیه یار

قتل‌های ناموسی در فقه و حقوق کیفری ایران

تألیف: مختار فتاحی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۰۹-۱

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

فصل اول	۷
کلیات	۷
فصل دوم	۱۳
پیشینه بحث	۱۳
فصل سوم	۴۵
بررسی فقهی قتل‌های ناموسی	۴۵
فصل چهارم	۶۳
بررسی حقوقی قتل‌های ناموسی	۶۳
فصل پنجم	۸۹
نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۸۹
منابع	۹۳
کتب فارسی	۹۳
مقالات	۹۴
پایان نامه‌ها	۹۶
منابع عربی	۹۶
منابع لاتین	۹۹

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یکی از ابزارهای موثر در مبارزه با بزهکاری، از موضوعاتی است که در قرن نوزدهم مورد توجه جرم شناسی قرار گرفت. در مقوله پیشگیری، هدف تضمین آزادی ها، اجرای عدالت، اصلاح و درمان بزهکار و در صورت ضرورت سرکوب بوده است. مکتب تحقیقی که پرچمدار ورود پیشگیری از جرم در حیطه جرم شناسی است، برای اولین بار با طرح این موضوع افکار عمومی را از پاسخ کیفری صرف، به سوی شناسایی علت ها، درمان و پیشگیری سوق داد و همین امر شروعی برای ورود سایر مکاتب حقوق جزا و جرم شناسی و ارائه نظریات جدید در این زمینه شد (والتر، ۱۹۹۷: ۲۴). با وجود تفاوت مبانی مکاتب در تعریف جرم، منشأ آن و شیوه های پیشگیری از آن، آنچه مسلم است در سه سطح و محور بزهکار، بزه دیده و جامعه، برنامه های پیشگیری ارائه شده که تاکنون ادامه داشته است. به طور کلی این امر مورد پذیرش قرار گرفته است که نهادهای عدالت کیفری غالباً پس از وقوع جرم، نمی توانند آن گونه که شایسته است پاسخگوی آن باشند. بنابراین، رویکرد پیشگیری از وقوع جرم، به عنوان بهترین رویکرد، از نظر اهمیت در جایگاه نخست قرار دارد. پیش از این به طور سنتی، برای پاسخ به افزایش میزان جرائم و مهار آن و به امید بازداشتن

مجرمان از ارتکاب جرائم بیشتر و برای اجرای قانون، منابع بیشتری اختصاص می‌یافت و کیفر رفتارهای مجرمانه تشدید می‌شد. به هر حال در این چند سال اخیر، به لحاظ این که سیاست‌های سخت‌گیرانه دستگاه قضایی مبنی بر تشدید مجازات، نتایج مطلوبی در بر نداشته است، در نتیجه این راهبردهای به اصطلاح واکنش محور اهمیت خود را از دست داده است. در باب پدیده قتل‌های ناموسی توجه به پیشگیری و نه واکنش، از اهمیت شایانی برخوردار است. زیرا وقوع هر قتل ناموسی برابر است با از بین رفتن و سلب حق حیات یک انسان و همین امر است که این جنایت را از سایر جرائم متمایز می‌سازد. اما پرداختن به پیشگیری در قتل‌های ناموسی دشواری‌های خاص خود را به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر از آن جا که در بروز یک قتل ناموسی علل و عوامل متعددی دخیل هستند، ضرورتاً پیشگیری از بروز آن نیز با نظر داشتن همه این عوامل، قابل دسترسی خواهد بود (کاظمی، و زرخ، ۱۳۸۹: ۱). قتل‌های ناموسی یک عامل موجه صرف ندارد، بلکه همه این عوامل به سهم خود در وقوع این پدیده نقش دارند؛ اما به نظر می‌رسد که سهم متغیرهایی چون فرهنگ مردسالار و آداب و رسوم حاکم بر یک جامعه خاص، بیشتر از دیگر متغیرها باشد. در کنار این عوامل نباید تأثیری را که نیروهای حفاظت‌کننده اجتماع، در پیشگیری و کاهش موارد بروز این پدیده دارند، نادیده گرفت. در این پژوهش تلاش می‌شود پس از طرح مباحثی در خصوص مفهوم و پراکندگی آماری قتل‌های ناموسی، ابعاد و زوایای گوناگون ارتباط میزان قتل‌های ناموسی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و برای جلوگیری از قتل‌های ناموسی پیشنهادها و راهکارهایی کاربردی و عملی نیز بیان شود.

۱-۲- بیان مسئله

در تمام نظام‌ها و صرف نظر از دین، نژاد، ملیت و... قتل جزو قبیح‌ترین اعمال انسانی و جنایت‌بارترین رفتار بشری است و هر نظام حقوقی بر مبنای سیاست کیفری خود مجازاتی متناسب با این قباحت وضع می‌کند. بدیهی است کیفر آن نیز بر مبنای رویکرد و تلقی‌ای که آن نظام حقوقی از فلسفه مجازات دارد تعیین می‌شود. در نظام حقوقی ایران و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامیه که بر مبنای فقه شیعه استوار است مجازات قتل عمد به طور عام قصاص



می‌باشد. نمونه ای از این قتل‌ها، قتل‌های ناموسی است. قتل‌های ناموسی در واقع قتل‌هایی هستند که در آنها زنی به دست پدر، برادر، شوهر یا مردی از خویشاوندان نزدیکش به انگیزه حفظ ناموس و شرف به قتل می‌رسد. اما بسی جای تعجب دارد که قربانیان این جنایات معمولاً دختران و زنان بی‌گناه هستند نه مردانی که دست به تجاوز زده‌اند.

کشته شدن زن‌ها و دختران در این گونه قتل‌ها هیچ تأثیری ایجاد نمی‌کند و حتی گاهی گفته می‌شود که حق آنها بوده است. ضمن اینکه این قتل‌ها بسیار فجیع بوده و برخلاف همه قتل‌ها قاتل فراری نیست و به راحتی خود را معرفی می‌کند و خانواده مقتولان نیز معمولاً خواستار مجازات قاتل نیستند و حتی در مواردی قتل را وظیفه قاتل دانسته و برای کاهش مجازات او تقاضای عفو می‌کنند. وقوع این قتل‌ها معمولاً بنا به دستور برخی بزرگان این افراد است البته نه به صورت سازمانی و دستورات کتبی و متأسفانه در پرونده این قتل‌ها عوامل آن‌ها مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند. وقوع قتل‌های ناموسی با سایر قتل‌ها در ایران متفاوت است و در آن مقتول متهم به فساد شده و از نظر قاتل بی‌گناه نیست. از هر دو زنی که در ایران به قتل می‌رسند یک نفر قربانی قتل‌های ناموسی و یا به عبارتی سوء ظن افراد خانواده خود است. قتل‌های ناموسی که در حمایت از شرف، آبرو، غیرت و تعصبات اتفاق می‌افتد در جامعه ما هر ساله زنان زیادی را قربانی تعصبات نابجای مردان ایرانی می‌کند. واژه غیرت در ادبیات ما ناموس پرستی تعریف شده است و ناموس نیز زنان خانواده ای است که وابسته به یک مرد می‌باشد. بنابراین ناموس خط قرمزهایی برای مردان ایرانی به وجود می‌آورد که زنان نباید از آنها تخطی کنند در غیر این صورت مجازات‌های سنگینی در انتظار آنان است. حال این مجازات شامل حال مادر می‌شود یا خواهر و یا همسر هیچ فرقی ندارد. قتل‌های ناموسی را می‌توان از حیث شخص هدف جنایت به دو گونه مورد بررسی قرار داد. با این توضیح که انگیزه ناموسی گاه موجب دگرگونی می‌شود و گاه مستقیماً به ناموس کشی منجر می‌شود. اما معمولاً در عرف هنگامی به چنین قتلی عنوان ناموسی داده می‌شود که نسبت مقتول با قاتل نسبت ناموسی باشد و در غیر این صورت حتی اگر قتل با انگیزه غیرت مندانه نیز وقوع یابد



چنین عنوانی به آن داده نمی‌شود. در این گونه موارد مقتول در مظان اتهام‌های اخلاقی قرار می‌گیرد و این اتهام موجب برانگیختن احساسات وابستگان مذکر خونی و عاطفی او می‌شود. عکس‌العمل مردان نیز مستقیماً به آستانه تحریک پذیری او که خود تابعی از هنجارهای فرهنگی - تاریخی هر کس می‌باشد بستگی دارد. به نحوی که در زمینه فرهنگ شخصی - اجتماعی هر کس شدت عمل جانی نسبت به یک اتهام مشخص، متفاوت خواهد بود که شدیدترین، جنایت بارترین عکس‌العمل قتل متهم است. روشن است که بررسی بسترهای اجتماعی و فردی این رفتار مجرمانه و عوامل موثر در کاهش و افزایش آن مستلزم طرح مباحث مفصل و محققانه است که در این اندک سخن نمی‌گنجد. اما از حیث جایگاه این جرم در قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت: از آنجا که شارع مقدس کیفر اصلی قتل عمد را قصاص تعیین کرده است، بین قتل‌های ناموسی با دیگر انواع قتل‌ها تفکیک قائل نشده است و به این ترتیب رسیدگی به آن و مجازات آن تابع اصول کلی و قواعد عام حاکم بر قتل عمد است.

۱-۳- ضرورت انجام تحقیق

اولین و مهمترین حقی که از میان مجموعه حقوق شهروندی مطرح و حائز اهمیت است حق حیات می‌باشد چون تمام حقوق به حیات انسان تعلق دارد یعنی جان و حیات انسان محترم و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد در باور و عقیده اسلامی انسان تاحدی محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است قتل‌های ناموسی یکی از پدیده‌هایی است که این حق ضروری شهروندان را مورد تهدید قرار داده است قتل‌های ناموسی یکی از واقعیت‌های اجتماعی است که از گذشته دور وجود داشته و تا به امروز بحیات خود ادامه داده است قتل‌های ناموسی در مواردی نظیر روابط عاشقانه غیرمتعارف، خیانت به همسر، زنا، فرار از خانه، از دست رفتن بکارت و نمونه‌های بشارت و نمونه‌های مشابه که اعمال و رفتارهای ضدناموسی بی‌عفتی بدنامی و فضاحت تلقی شوند رخ میدهند بطور کلی قتل‌های ناموسی عبارتند از عملی که طی آن مردان خویشاوند یکی از افراد مونث خانواده خود اعم از خواهر، دختر، مادر، همسر و . . . را به دلایل روابط جنسی نامشروع خارج از چارچوب تعریف شده گاهی به دلیل ظنین شدن



یا انتشار یک شایعه به قتل برسانند تا به زعم خود لکه ننگ و رسوایی پیش آمده از این عمل از دامان خانواده و فامیل پاک شود (کاظمی سرکانه، ۱۳۹۰: ۱۱). به تعریف ساده، قتل ناموسی یعنی قتل زن و در برخی موارد مرد به دست مردان خویشاوند. این نوع قتل، یکی از مهمترین موارد خشونت علیه زنان است که شیوع آن در تعدادی از کشورها، از آن میان پاکستان، بیشتر است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد، هر سال در جهان حداقل ۵۰۰۰ زن قربانی قتل‌های ناموسی می‌شوند، که البته این‌ها مواردی اند که گزارش داده می‌شوند. به همین دلیل ممکن است تعداد قتل‌های ناموسی بیشتر از این باشند. از آنجا که وقوع چنین قتل‌هایی به دلیل آمیخته بودن با حس غیرت و افتخار، و با ریشه داشتن در جهالت و تعصب مرتکبین خود، نوعی مشروعیت به سلب حق حیات زنان به عنوان عضوی از اجتماع می‌انجامد و متعرض مهمترین اصول انسانی در جوامع همچون حق حیات می‌گردد، ضرورت دارد تا جوامع انسانی با شناسایی دقیق علل و عوامل بروز چنین قتل‌هایی به اتخاذ تدابیر حقوقی و اجتماعی در پیشگیری از این جرم پردازد (فدایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). وجود مواد قانونی در قانون مجازات که با عفو و یا تخفیف مجازات در مواردی که مصداق قتل‌های ناموسی هستند و از عوامل تشدید این معضل اجتماعی محسوب می‌شوند سال‌ها در بین حقوق دانان و جامعه شناسان مطرح بوده و تحقیقات و مطالعات فراوانی در این رابطه انجام شده است. اما علی‌رغم همه مطالعات انجام شده در قانون جدید مجازات اسلامی توجه چندانی به ۳۰۳ و، ۳۰۲، این مسئله نشده است و با اندکی تغییر در ظاهر مواد همچنان به قوت خود باقی هستند که عبارتند از ماده ۳۰۱ و ۳۰۲ مصوب سال ۱۳۹۲ و ۶۳۰ ق.م.ا سال ۱۳۷۵ (کاظمی‌نیا و باقری، ۱۳۹۴: ۱). ضرورت پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌گردد که به لحاظ فقهی و حقوقی برای پیشگیری از قتل‌های ناموسی در قانون مجازات اسلامی مواردی در پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در ماده واحده‌های مختلف ذکر شده است و تا به حال این موارد نتوانسته است بر کاهش قتل‌های ناموسی به طور چشمگیر تاثیرگذار بوده و حتی در برخی موارد جواز بر اقدام آن نیز صادر شده است، این امر ضرورت بررسی همه جانبه ابعاد آن و نیز نقد و بررسی‌های مختلف و



نظرات پیرامون آن را طلبیده که این پژوهش در این راستا اقدام نموده است تا بتواند پس از بررسی ابعاد فقهی و حقوقی و ابعاد مختلف آن در ایران و دیگر کشورهای مسلمان و پیامدها و نیز بررسی نظرات و نقدهای متفکرین این زمینه راهکارها و پیشنهادات احتمالی برای اصلاح مواد و زمینه‌های پیشگیری را ارائه نماید.

فصل دوم

پیشینه بحث

۲-۱- مقدمه

در جوامع اسلامی و فرهنگ دینی مسلمانان، مسایلی وجود دارد که خشونت بار و خشونت آفرین می‌نماید. گاهی این گونه مسایل را با لباس تقدس دینی و به عنوان احکام ثابت و قطعی شریعت عرضه می‌دارند و تبلیغ می‌کنند که این نوع مسایل به لحاظ این که دستور شریعت و احکام دین است قابل خدشه و تردید نمی‌باشد و هرگونه تردید یا شک در باره‌ی آنها، دلیل بر بی‌مبالاتی دینی می‌باشد. یکی از آن مسایل، مساله «جواز قتل زن به وسیله‌ی شوهر در حین انجام عمل نامشروع است.» امروزه در کشورهای اسلامی، مفاد این فتوا به عنوان قتل‌های ناموسی شناخته می‌شود و از شهرت و وسعت بسیار بر خودار است تا جایی که سالانه صدها قتل، تحت همین نام صورت می‌گیرد. در فرهنگ دینی مسلمانان و آموزه‌های به ظاهر دینی و مذهبی و بر اساس فتوای عالمان مذهبی چنین معلوم گشته است که اگر مردی، زن خود را در حال زنا با شخص دیگری مشاهده کند حق دارد و می‌تواند هر دو نفر را به قتل برساند و دستگاه قضایی کشور، حق ندارد که قاتل را تحت تعقیب قرار دهد و یا مجازات نماید.

فتوا دادن بر جواز قتل، کار سنگین و دشوار است و موضوع آن که خون می‌باشد محل احتیاط، مراقبت، دقت و خود نگهداری بوده نیازمند دلایل محکم و مستندات صریح و فرمان



روشن دین است، لذا صدور چنین فتوایی بدون دلایل قاطع و مستندات اطمینان بخش و تنها با خواندن چند روایت ضعیف یا دروغ، حقیقتاً بی‌مبالاتی در دین و بی‌احتیاطی نسبت به جان انسان‌ها و بی‌توجهی به امنیت اجتماعی و ایجاد خشونت در جامعه خواهد بود. در زمینه قتل‌های ناموسی بعضی واژه‌ها و مفاهیم از اهمیت زیادی برخوردار بوده و کاربرد فراوانی دارند. در واقع بررسی ابتدایی آن‌ها می‌تواند تأثیر بسیاری در ارزیابی دقیق جوانب گوناگون قتل‌های ناموسی داشته باشد.

۲-۲- مفهوم شناسی ناموس و قتل‌های ناموسی

((ناموس)) کلمه‌ای است که مأخوذ از فرهنگ یونانی بوده و در لغت به آبرو، عزت، نیک‌نامی، اعتبار، شهرت، عفت، پاک‌دامنی، شرم، غیرت، عصیت قومی، ملی، خانوادگی، زن و خواهر و مادرِ مرد و دفاع از خود معنی شده است. در فرهنگ فارسی عمید نیز معانی مختلفی مانند شرف، عصمت، راز، صاحب‌سر و مطلع به باطن امور برای کلمه ناموس ذکر شده است (عمید، همان، ۱۸۹۱).

((ناموس)) یک مفهوم شناور و سیال است که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به شکل‌های گوناگونی معنا و مصداق می‌یابد. اما به طور کلی در اکثر جوامع ((ناموس)) دارای دو جنبه عمومی و خصوصی است. از یک طرف، این واژه احترام و حیثیت شخصی یک فرد را توصیف می‌کند که یک شخص چگونه در جامعه به خود می‌نگرد و از طرف دیگر نوع دید و نگاه جامعه نسبت به این شخص و ارزش او را نیز دربردارد (براندون^۱، ۲۰۰۸). این نوع دید، به میزان زیادی بستگی به رفتار و حرکات زنان خویشاوند فرد دارد و آن‌ها هستند که نوع نگاه جامعه به یک فرد را تعیین می‌کنند. در واقع، یک فرد برای این که احترام و عزت خود را در جامعه حفظ کند، علاوه بر این که باید رفتارهای خود را در چهارچوب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن جامعه خاص تنظیم کند، همچنین باید بر رفتارهای نزدیکان خود نیز، نظارت و کنترل داشته باشد. بر همین اساس است که شرافت و به اصطلاح ناموس یک

^۱ Brandon



شخص، بستگی تامی به رفتار دیگران پیدا می‌کند و مشخص می‌شود که افتخار و سربلندی یک فرد صرفاً به رفتار خودش بستگی ندارد (آرج، ۲۰۰۰). به همان میزان که شخص با رفتار و اعمال خود، موجبات بی‌آبرویی خود را فراهم می‌آورد، افراد مرتبط با او (به خصوص زنان) نیز، می‌توانند در این امر دخیل باشند. بر اساس رسوم و سنت‌های گذشتگان، مرد باید از ناموس خود محافظت کند و این امر ریشه در حس مالکیتی دارد که مرد نسبت به زن در طول تاریخ داشته است (کاظمی، و زرخ، ۱۳۸۹). مردم شناسان در خصوص این که چرا ناموس و عزت یک فرد یا خانواده او، توسط رفتار زنان تعیین می‌شود، نظرات گوناگونی ارائه می‌دهند. بسیاری از آن‌ها بر این عقیده اند که در گذشته مرد می‌خواستسته مطمئن شود فرزندان او که در امر تهیه غذا و سایر امور به او کمک می‌کنند، از نسل خودش باشند و بهترین راه برای حصول اطمینان از این امر، عدم ارتباط جنسی همسرش با دیگران بوده است و از این رو عفت و پاک دامنی زنان، از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفته است (حجاریان، ۱۳۵۶). اما اکثر مردم شناسان بر این نظرند که جنبه جنسیتی واژه ناموس، به این دلیل گسترش یافت که مردان در جوامع اولیه به زنان به عنوان اموال خود می‌نگریستند که می‌توانند آن‌ها را با کالاهای دیگر مبادله کنند. در نتیجه جسم زنان و تمایلات جنسی آنان، ارزش پولی کسب کرد که خانواده و شوهر او را ترغیب می‌کرد که رفتارهای جنسیتی آن‌ها را منظم و قاعده مند کرده و مانند هر مال دیگری به محافظت از آن پردازند و به همین دلیل، از این دوره به بعد، زنان مطیع و فرمانبردار پدر، برادر و شوهر خود بوده و همین افراد هم یک سری اعمال و رفتارهای صحیح و مجاز و یک سری رفتارهای ممنوع و نادرست را برای زن وضع کردند (کاظمی، و زرخ، ۱۳۸۹). این در حالی بوده است که زنان در ابتدا نقش فعالی در جامعه داشته و حتی کشاورزی نیز از اکتشافات زنان است، اما به مرور، آن‌ها جایگاه خود را در جامعه از دست داده و مردان جایگاه خود را ارتقا بخشیدند. این وضع در حال حاضر با اندک تفاوت هایی در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد. اصطلاح ناموس جزء آن دسته



مفاهیمی است که در هر جامعه بار معنایی ویژه ای دارد و تعریف یگانه، مورد اتفاق نظر و استاندارد از این مفهوم وجود ندارد. در واقع باید ناموس را در متن و زمینه روابط و مناسبات اجتماعی جوامع تعریف کرد. در جوامع سنتی اصطلاح ناموس از جمله مفاهیمی است که ارزش منحصر به فردی دارد و مبین یک واقعیت اجتماعی و فرهنگی است. اعضای چنین جوامعی خدشه دار شدن شرف و آبروی خود را دردناک تر از دست دادن مال یا مرگ عزیزان خود تلقی می‌کنند (کاظمی، و زرخ، ۱۳۸۹). در این جوامع ناموس را به عنوان ملاک و معیاری برای ارزیابی ارزش، اعتبار و جایگاه اعضای خود به حساب می‌آورند. بر طبق این معیار، ناموس یک فرد، همان طور که قبلاً ذکر شد، علاوه بر رفتار خود فرد، به رفتار افراد مؤنث خانواده و در کل آبرو و پاک دامنی زنان نیز وابسته است و از این رو این امر باید مورد نظارت و کنترل واقع شود. در نتیجه در یک جامعه سنتی، شرف و پاک دامنی زن تنها به خودش تعلق ندارد، بلکه سرمایه مشترک و همگانی اعضای خانواده و فامیل محسوب می‌شود. در جوامع مختلف دنیا اصطلاحات گوناگونی مترادف با واژه ناموس به کار می‌رود؛ به طور مثال کلمه شرف و شرم که دارای همان معنای واژه ناموس است، بیشتر در کشورهای عرب زبان کاربرد دارد، در حالی که در جوامع غربی از لفظ **Honour** یا **Honor** برای این معنا استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که در کشورهای مانند پاکستان یا ترکیه و یا حتی کردستان عراق و ترکیه، همین اصطلاح ناموس مورد استفاده قرار می‌گیرد (حجاریان، ۱۳۵۶). در خصوص تعریف اصطلاح «قتل ناموسی» شایان ذکر است که تاکنون تعریف رسمی‌ای از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه خشونت علیه زنان یا حقوق بشر مطرح نشده است؛ اما آنچه معلوم است این که این نوع قتل‌ها یکی از اشکال جرائم ناموسی علیه زنان است و در واقع قتل ناموسی نوع خاص و مهم‌ترین مصداق این مجموعه است. یاسمین حسن، روزنامه‌نگار پاکستانی، قتل‌های ناموسی را این چنین تعریف کرده است: عمل آدم‌کشانی که در آن، زنی را به دلیل رفتار غیراخلاقی‌ای که مرتکب شده یا گمان می‌رود که از او سر زده باشد، به قتل برسانند (غانمی، ۱۳۸۴). البته تعاریف دیگری



نیز توسط نویسندگان مختلف به عمل آمده است که در ادامه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: قتل‌های ناموسی یک سنت و رویه باستانی است که در آن، مردی یکی از زنان خویشاوند خود را به نام ناموس و شرافت خانواده و به دلیل ارتباط نامشروع او با دیگری، حتی اگر زن قربانی یک تجاوز جنسی شده باشد، به قتل برساند (تریفانی^۳، ۲۰۰۴). قتل ناموسی یک عبارت کلی است که اشاره دارد به قتل عمدی همراه با سبق تصمیم یک دختر صغیر (که هنوز به سن بلوغ نرسیده است)، یک زن جوان یا حتی یک زن بزرگسال، به وسیله یک یا چند نفر از اعضای مرد خانواده یا فامیل (سور^۴، ۲۰۰۱). قتل‌های ناموسی به کشتن زنان به دست نزدیکانشان به دلیل انحراف از هنجارهای جنسیتی که به وسیله جامعه برای آن‌ها تعیین شده است، گفته می‌شود (فقیر^۵، ۲۰۰۴). همان‌طور که مشخص است در همه تعاریف، مقتول فقط زن است و در واقع بر اساس این تعاریف، قتل‌های ناموسی صرفاً جرمی علیه زنان است. البته این، معنای اخص قتل‌های ناموسی است و در قسمت بعدی که به مصادیق مورد نظر قتل‌های ناموسی می‌پردازیم، به طور مفصل در این خصوص توضیح داده خواهد شد.

۲-۳- تعریف قتل‌های ناموسی

قتل‌های ناموسی را می‌توان واکنش عرفی و سنتی جامعه دانست که طی آن از خانواده انتظار می‌رود تا در مقابل عمل نامشروع و غیرمجاز جنسی خارج از چارچوب زناشویی اعضای مؤنث خود، عکس‌العمل نشان دهد. به طور کلی قتل‌های ناموسی را می‌توان عملی دانست که طی آن، مردان خونی و خویشاوند، یکی از افراد مؤنث خانواده خود (اعم از خواهر، دختر، مادر، همسر و...) را به دلایل مختلفی مانند داشتن رابطه جنسی با دیگری و حتی گاه به دلیل سوءظن به او یا انتشار یک شایعه در خصوص انجام چنین اعمالی، به قتل برسانند تا به زعم خود، لکه ننگ و رسوایی پیش آمده از این عمل، از دامان خانواده و فامیل پاک شود (سور^۶، ۲۰۰۱).

^۳ Triphati

^۴ Sever

^۵ Faqir

^۶ Sever